



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 15 Issue: 37

Winter 2025

Article Type: Research Article

Pages: 197-225

The Duty to Cooperate in Service Contracts

Ali Saatchi¹ | Faezeh Teymouri Moghadam²

1. Assistant Professor, Department of Private law, Ferdowsi University of Mashhad, Iran
(Corresponding Author)

alisaatchi@um.ac.ir

2. PhD Candidate in private law, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

fa.teimourimoghadam@mail.um.ac.ir

Abstract

The duty to cooperate is one of the obligations in a contract. According to this, both parties must work together towards achieving their mutual contract goals. This duty isn't limited to goods contracts; it applies to service contracts as well. However, considering the differences between goods and service contracts regarding the contract's subject, execution process, and the significant role of the service recipient in facilitating the fulfillment of the other party's commitments, this research aims to describe and analyze the concept, provide criteria for identifying instances of this duty, and examine the foundations of cooperation commitment for the service recipient. It seeks to answer whether the position of the cooperation in service contracts differs from other contracts. If so, how does this difference affect other governing rules? The study results indicate that in service contracts, due to the intangible nature of the contract subject and the lengthy execution process requiring cooperation to mitigate potential risks, differences in the rules governing the mentioned duty are observed. This sets apart goods and service contracts. Nevertheless, supporting the rights of the service recipient requires their duty to cooperate to be precise, and criteria such as "necessity" should be considered to identify instances of their cooperation duty.

Keywords: Implied Term, Contract Performance, Duty to Inform, Duty to Warn, Service Contract

Received: 2024/06/21

Received in revised form: 2024/11/15

Accepted: 2024/12/02

Published: 2024/12/25

DOI: 10.22034/LAW.2025.62199.3395

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir



تعهد به همکاری در قراردادهای ارائه خدمت

علی ساعتچی^۱ | فائزه تیموری مقدم^۲

alisaatchi@um.ac.ir

۱. استادیار گروه خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

fa.teimourimoghadam@mail.um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

چکیده

تعهد به همکاری از جمله تعهدات قراردادی است که بر طبق آن، طرفین مکلفاند در راستای اجرای قرارداد و به جهت رسیدن به اهداف قراردادی مدنظر خود با یکدیگر همکاری نمایند. این تعهد مختص قراردادهای کالا نبوده، در قراردادهای ارائه خدمت نیز بر هر دو طرف قرارداد بار می‌شود. با این حال، نظر به تفاوت‌های موجود میان قراردادهای کالا و خدمات از جهت موضوع قرارداد و فرایند اجرای تعهد و همچنین نقش پررنگ دریافت‌کننده خدمت در تسهیل اجرای تعهدات طرف مقابل، نگارندگان پژوهش حاضر در تلاش‌اند تا به شیوه توصیفی و تحلیلی، در کنار بررسی مفهوم و ارائه معیارهایی در خصوص شناسایی مصادیق این تعهد، به بررسی مبانی تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت بپردازند و به این پرسش پاسخ دهند که آیا جایگاه تعهد به همکاری در قراردادهای ارائه خدمت با سایر قراردادها متفاوت است؟ و اگر پاسخ مثبت است، این تفاوت چه تأثیری بر سایر قواعد حاکم بر این تعهد خواهد داشت؟ نتایج این مطالعه حاکی از آن است که در قراردادهای خدمات، اولاً به جهت ملموس نبودن موضوع قرارداد و ثانیاً به سبب طولانی بودن فرایند اجرای تعهد، جدای از لزوم همکاری طرفین قرارداد و به‌ویژه دریافت‌کننده خدمت، تفاوت‌هایی در قواعد حاکم بر تعهد یادشده از جمله ضمانت اجرای نقض آن مشاهده می‌شود که از این حیث، قراردادهای کالا و خدمات را متمایز می‌سازد. البته، حمایت از حقوق دریافت‌کننده خدمت ایجاب می‌نماید که تعهد وی به همکاری ضابطه‌مند بوده، برای تشخیص مصادیق تعهد به همکاری وی به معیارهایی همچون معیار «ضرورت» توجه شود.

واژگان کلیدی: اجرای قرارداد، تعهد به اطلاع‌رسانی، تعهد به هشدار، شرط ضمنی، قرارداد خدمات.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

DOI: 10.22034/LAW.2025.62199.3395

law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

در دهه‌های اخیر، حوزه حقوق قراردادهای با تحولات چشمگیری در خصوص پیدایش قراردادهای مدرن و شکل‌گیری تعهدات نوینی که پیش از آن چندان رایج نبوده، مواجه شده است. گسترش و توجه بیشتر نسبت به «قراردادهای ارائه خدمت»^۱، خود از جمله همین تحولات است؛ قراردادهایی که یک طرف در جایگاه ارائه‌دهنده خدمت متعهد می‌شود تا خدمتی را به دیگری ارائه داده، در مقابل آن اجرتی دریافت نماید.^۲

اهمیت روزافزون این قراردادها سبب شده است تا شناسایی انواع مختلف قراردادهای ارائه خدمت و قواعد اختصاصی و مشترک حاکم بر آن مورد توجه قرار گیرد و دکترین حقوقی و قانون‌گذاران ملی را به شناسایی و تبیین دقیق این نوع قراردادها و قواعد حاکم بر آن وادار سازد. برای نمونه، برخلاف نظام حقوقی ایران که به‌طور مستقل به قراردادهای خدمات و تعهدات طرفین آن نپرداخته، در اتحادیه اروپا، اسناد مختلفی راجع به این نوع قراردادها تهیه و منتشر شده است که در این باره می‌توان به «اصول حقوق اروپایی در خصوص قراردادهای خدمات»^۳ و «پیش‌نویس چارچوب مشترک مرجع»^۴ اشاره کرد.^۵

1. Service Contract

۲. علی ساعتچی و فرزاد جاویدی آل سعدی، قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای خدمات محور، (تهران: مجد، چ ۱، ۱۳۹۷)، ص ۱۷-۱۸.

3. Principles of European Law on Services Contracts (PELSC)

از این پس و به جهت رعایت اختصار، عنوان این سند به صورت «سند PELSC» استفاده می‌شود.

4. Draft Common Frame of Reference (DCFR)

از این پس و به جهت رعایت اختصار، عنوان این سند به صورت «سند DCFR» استفاده می‌شود.

۵. در این راستا، می‌توان جدای از اسناد بین‌المللی و اروپایی مرتبط با قراردادهای خدمات، به «قانون تهیه کالا و خدمات انگلستان مصوب ۱۹۸۲» اشاره کرد. البته هرچند برخی مواد قانون اخیر، در سال ۲۰۱۵ و به دلیل تصویب «قانون حقوق مصرف‌کننده» نسخ گردیده، اما کماکان مواد مرتبط با قراردادهای خدمات از قدرت اجرایی برخوردار است. به‌خصوص که در «قانون حقوق مصرف‌کننده ۲۰۱۵» نیز همچنان تمایز احکام قراردادهای کالا و خدمات مورد توجه قانون‌گذار بوده، احکام این دو نوع از قراردادها در دو فصل مجزا مطرح گردیده است. در نظام حقوقی ایران نیز «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸» از قوانین داخلی قابل اشاره است که در کنار قراردادهای کالا، بر لزوم حمایت از مصرف‌کنندگان قراردادهای خدمات نیز تأکید نموده است. البته ماده ۲۱۴ قانون مدنی که در کنار «مال»، از تعهد به ایفای یک «عمل» نیز به‌عنوان مورد معامله یاد کرده است، مهم‌ترین موردی است که نشان از توجه قانون‌گذار به تمایز میان مال و عمل و در نتیجه قراردادهای حوزه کالا و خدمات دارد. با این حال، نظر به تنوع روزافزون قراردادهای خدمات و پیچیدگی این قراردادها و البته سکوت قوانین داخلی در مورد احکام قراردادهای خدمات، وضع قوانین اختصاصی و تبیین احکام و مقررات مرتبط با این قراردادها در نظام تقنینی ایران ضروری به‌نظر می‌رسد.

یکی از مسائل مهم در حوزه قراردادهای ارائه خدمت، تعیین تعهدات طرفین قرارداد و شناسایی احکام مرتبط با آن است. تعهدات نوپیدای قراردادی که غالباً به صورت ضمنی بر قراردادها بار می‌شوند، خود ازجمله عواملی هستند که بررسی دقیق تعهدات هریک از طرفین و ضوابط حاکم بر آن تعهدات را ضروری می‌سازند.^۶ به‌خصوص که فرایند اجرای قراردادهای ارائه خدمت، گاه طولانی بوده، به سبب نوعی عدم قابلیت پیش‌بینی که در این قسم قراردادهای وجود دارد، باید تمهیدات ویژه‌ای جهت اجرای بدون مشکل آنها در نظر گرفته شود. در همین راستا، «تعهد به همکاری» ازجمله تعهداتی است که پس از انعقاد قرارداد ارائه خدمت و در فرایند اجرای آن نقش مهمی ایفا می‌نماید؛ تعهدی که به شکل صریح و یا ضمنی قابلیت طرح در قرارداد را داشته^۷، طرفین بر مبنای آن مکلف‌اند با یکدیگر همکاری کنند و به اهداف و منافع حاصل از قرارداد دست یابند.

گفتنی است موارد یادشده این سؤال مهم را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا تعهد به همکاری و به‌ویژه همکاری دریافت‌کننده خدمت، از جایگاه منحصر به فردی در قراردادهای ارائه خدمت برخوردار است؟ به عبارت دیگر، گرچه تعهد به همکاری در انواع مختلف قراردادهای کالا و خدمات قابلیت طرح و اعمال دارد^۸، اما آیا مبنای وجود دارد که لزوم تعهد به همکاری را در قراردادهای اخیر پررنگ‌تر نماید و تفاوت‌هایی میان قواعد این تعهد در دو قسم قراردادهای یادشده ازجمله ضمانت اجرای نقض آن به‌وجود آورد؟ به‌علاوه، چنانچه تعهد به همکاری در این قراردادها پذیرفته شود، چه معیارهایی برای شناسایی مصادیق تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت می‌توان معرفی نمود؟

با عنایت به مطالب یادشده و باتوجه به فقدان سابقه قانونی خاص این تعهد در حقوق ایران، نگارندگان نوشتار حاضر در صددند تا به شیوه توصیفی - تحلیلی به واکاوی جایگاه تعهد به

۶. برای آشنایی کلی با تعهدات طرفین در قراردادهای خدمات، ر.ک. محمدعلی خورسندیان و میلاد امیری، «مطالعه تطبیقی تعهدات طرفین قراردادهای خدمات در حقوق ایران و اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۱ (۱۳۹۷)، ص ۱۲۱-۱۴۶.

۷. ابراهیم شعاریان، «تعهد به همکاری متعهدله در اجرای قرارداد»، حقوق خصوصی، ش ۱ (۱۳۹۰)، ص ۱۱۵.

۸. محمدتقی رفیعی و سید حسین حجازی، «عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا»، حقوق خصوصی، ش ۳۹ (۱۴۰۱)، ص ۴۱.

همکاری در قراردادهای یادشده بپردازند و با بهره‌گیری از مفاد اسناد و مقررات اتحادیه اروپا^۹، به سؤالات و ابهامات موجود در این زمینه پاسخ دهند. البته شایان ذکر است که به جهت بررسی تفصیلی این مطالب و با توجه به جایگاه مهم متعهدله در قراردادهای یادشده، پژوهش پیش رو به بررسی تعهد به همکاری «دریافت‌کننده خدمت» اختصاص یافته است. بنابراین در ادامه و در قالب چهار قسمت، ابتدا مفهوم کلی تعهد به همکاری و مقایسه آن با سایر مفاهیم مشابه مطالعه می‌شود؛ سپس، از مبانی تعهد به همکاری در قراردادهای ارائه خدمت سخن خواهیم گفت و پس از تبیین معیار شناسایی مصادیق تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت، به بررسی ضمانت اجرای نقض تعهد به همکاری پرداخته خواهد شد.

۱. مفهوم تعهد به همکاری و مقایسه با مفاهیم مشابه

با عنایت به فقدان تعریف تعهد به همکاری در نظام تقنینی ایران، قسمت اول نوشتار حاضر به بررسی مفهوم تعهد به همکاری اختصاص یافته است تا از این رهگذر، امکان بررسی بهتر سایر مباحث فراهم گردد. همچنین برای درک بهتر این مفهوم، تمییز این تعهد از سایر تعهدات مشابه نیز ضروری می‌نماید. بنابراین در ادامه، ابتدا مفهوم تعهد به همکاری تبیین می‌گردد و سپس به مقایسه آن با سایر مفاهیم مشابه خواهیم پرداخت.

۱.۱. مفهوم تعهد به همکاری

همکاری را در یک نگاه کلی، می‌توان «کارکردن با یکدیگر یا عمل کردن در ارتباط با شخص دیگری»^{۱۰} تعریف نمود. در حوزه حقوق قراردادهای و از آنجا که قرارداد صرفاً نقطه تلاقی منافع متضاد نیست، می‌توان آن را به‌عنوان یک پروژه مشترک برای رسیدن به اهداف قراردادی طرفین تعبیر کرد^{۱۱}. مطابق نظر برخی نویسندگان^{۱۲}، تعهد به همکاری را می‌توان تعهد به انجام

۹. برای مطالعه جایگاه تعهد به همکاری متعهدله در سایر اسناد بین‌المللی، ر.ک. احمد یوسف‌زاده: «سروش رستم‌زاد اصلی و سید ایمان میریان، «بررسی تطبیقی تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد در فقه و حقوق ایران و قراردادهای تجاری بین‌المللی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۸ (۱۴۰۰)، ص ۲۷۲-۲۷۹.

10. David Thomas, "Contractual Obligations of Good Faith", *Construction Law International*, No. 7, (2012), p. 33.

11. Evaldas Klimas, "General Duty to Co-Operate in Construction Contracts? An International Review", *International Journal of Law in the Built Environment*, No. 3, (2011), p. 83.

12. Jeannie Marie Paterson, "Good Faith Duties in Contract Performance", *Oxford University Commonwealth Law Journal*, No. 14, (2014), p. 283-284.

تمام اقداماتی دانست که امکان دستیابی طرفین قرارداد به منافع حاصل از آن قرارداد را ممکن می‌سازد.

تعریف یادشده، اولاً از این جهت که تعهد به همکاری را صرفاً دربرگیرنده افعال مثبت در جهت اجرای تعهدات قراردادی طرف مقابل می‌داند و در نتیجه، افعالی را که جنبه منفی دارند باید طرفین از انجام آن خودداری نمایند، مورد اشاره قرار نمی‌دهد و ثانیاً از این حیث که هدف از همکاری طرفین را رسیدن به منافع حاصل از قرارداد دانسته، تعریف محدودی از تعهد به همکاری است. از این رو، مخالف با برداشت یادشده، برخی^{۱۳} همکاری را طبقه‌بندی و شامل موارد کلی زیر دانسته‌اند: (۱) تعهد به عدم جلوگیری از تحقق اهداف قراردادی، (۲) تعهد به انجام تمام کارهایی که برای قادر ساختن طرف دیگر برای بهره‌مندی از منفعت قرارداد ضروری است، (۳) تعهدی که هیچ‌یک از طرفین دیگر را از اجرای قرارداد باز نمی‌دارد.

طبقه‌بندی پیش‌گفته نشان از آن دارد که تعهد به همکاری همواره یک تعهد مثبت برای انجام یک عمل نیست، بلکه ممکن است خودداری از انجام یک عمل در طول دوران قرارداد را نیز دربر گیرد و ذیل عنوان تعهد به همکاری جای دهد؛ تا آنجا که به عقیده برخی نویسندگان داخلی^{۱۴}، جنبه منفی تعهد به همکاری و عدم ایجاد مانع برای اجرای تعهدات قراردادی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

با عنایت به اینکه اصولاً انعقاد قرارداد با هدف اجرای کامل و بهره‌مندی طرفین از منافع خاص حاصل از آن قرارداد صورت می‌گیرد، تعهد به همکاری مختص دسته خاصی از قراردادها نبوده، در انواع مختلفی از قراردادها از جمله قراردادهای ارائه خدمت قابلیت طرح خواهد داشت. لذا طرفین قرارداد مکلف‌اند با یکدیگر همکاری کرده، قرارداد را به سرانجام برسانند. در همین راستا، نظر به اینکه در قراردادهای خدمات، تعهد اصلی برعهده ارائه‌دهنده خدمت است، همکاری دریافت‌کننده خدمت برای تسهیل اجرای تعهدات طرف مقابل از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این خصوص، مراد از تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت را می‌توان کلیه رفتارهایی (اعم از

13. Ryan Catterwell, "Co-Operation and Prevention in Contract Law" *Melbourne University Law Review*, No. 47, (2023), p. 2; Nurhidayah Abdullah, N, *Good Faith in Contractual Performance in Australia*. (Palgrave Macmillan, 2020), p. 31-32.

۱۴. احمد یوسف‌زاده و همکاران، پیشین، ص ۲۶۴.

فعل و یا ترک فعل) دانست که ارائه خدمت از سوی متعهد را ممکن ساخته، اسباب اجرای قرارداد و بهره‌مندی از منافع مورد انتظار آن را فراهم می‌آورد.

۲.۱. تعهد به همکاری و مقایسه با مفاهیم مشابه

در بحث اجرای قراردادهای و به‌ویژه در سایر اسناد بین‌المللی نظیر مقررات اروپایی، جدای از تعهد به همکاری، با تعهدات دیگری نظیر «تعهد به هشدار»^{۱۵} و «تعهد به اطلاع‌رسانی»^{۱۶} مواجه هستیم که به جهت شباهت‌های موجود میان تعهد به همکاری و دو تعهد یادشده، شناسایی مفهوم و موضوع این تعهدات و همچنین تبیین وجوه اشتراک و افتراق آنها ضروری به‌نظر می‌رسد.

۱.۲.۱. تعهد به همکاری و تعهد به هشدار

از دیگر تعهدات موجود در قراردادهای ارائه خدمت، می‌توان تعهد به هشدار را نام برد که در برخی اسناد اروپایی همچون سند DCFR (قسمت خدمات: مواد ۲:۱۰۲ و ۲:۱۰۸) و سند PELSC (مواد ۱:۱۰۳ و ۱:۱۱۰) به آن اشاره و تصریح شده است. مطابق مواد یادشده، طرفین قرارداد مکلف‌اند پیش یا پس از انعقاد قرارداد، یکدیگر را نسبت به ریسک‌های موجود در مسیر اجرای تعهد و عدم امکان دستیابی احتمالی به نتایج قراردادی آگاه گردانند.^{۱۷} این اقدام سبب می‌شود تا طرف مقابل، ضمن اینکه انتظارات قراردادی خود را با هشدارهای ارائه‌شده از سوی طرف دیگر تطبیق می‌دهد، برای مقابله با ریسک‌های احتمالی مرتبط با فرایند اجرای تعهدات نیز کسب آمادگی نماید و البته هشداردهنده هم راه را بر هرگونه ادعای بعدی طرف قرارداد ببندد.

توجه به این نکته ضروری است که در اسناد یادشده، تعهد به هشدار پیش‌قراردادی برعهده هردو طرف قرارداد است؛ حال آنکه تعهد به هشدار قراردادی صرفاً برعهده ارائه‌دهنده خدمت

15. Duty to Warn

16. Duty to Inform

17. Hugh Beale, "Pre-Contractual Obligations: The General Contract Law Background", *Juridica International*, No. 14, (2008), P. 49; Joasia Luzak, *The Implied Duty of a Service Provider to Warn About a Risk of Construction Defects Resulting From a Contract With a Third Party, with Emphasis on Defects Resulting From Design Failures: A Case Study on The Pre-Contractual and Contractual Duty to Warn in English, German and Dutch Law And in the Draft Common Frame of Reference*. Thesis, Fully Internal, Universiteit Van Amsterdam, (2011), P. 22.

می‌باشد. مطابق با مواد ۱:۱۱۰ سند PELSC و DCFR ۲:۱۰۸، ارائه‌دهنده باید طرف دیگر را نسبت به (۱) عدم امکان دستیابی به نتایج قراردادی موردنظر، (۲) ورود آسیب به سایر منافع طرف مقابل و (۳) افزایش هزینه و زمان اجرای قرارداد، آگاه نماید. البته باید به این نکته نیز اشاره نمود که وظیفه هشدار ارائه‌دهنده خدمت محدود به موارد پیش‌گفته نبوده، بستگی به نوع قرارداد و دامنه خدماتی دارد که ارائه می‌شود. بر اساس مواد ۱:۱۰۳ PELSC و DCFR ۲:۱۰۲ نیز دریافت‌کننده خدمت موظف است تا پیش از انعقاد قرارداد، متعهد را نسبت به مواردی که ممکن است سبب افزایش هزینه و زمان اجرای تعهد شود، آگاه نماید.

با توجه به موارد پیش‌گفته و از آنجا که هدف از تعهد به همکاری، همکاری به جهت تسهیل اجرای قرارداد است، ممکن است تعهد به هشدار نیز نوعی تعهد به همکاری تلقی شود، زیرا طرفین موظف هستند تا هشدارهای لازم را در خصوص موانع اجرای تعهد به طرف مقابل خود داده، او را در تصمیم‌گیری نسبت به انعقاد قرارداد و یا ادامه آن یاری نمایند. با این حال، در خصوص موضوع این پژوهش، با عنایت به تفاوت‌های موجود میان تعهدات یادشده از جهت موضوع و زمان انجام تعهد، به‌نظر می‌رسد دو تعهد همکاری و هشدار از نقطه نظر دریافت‌کننده خدمت یکسان نبوده، به‌عنوان دو تعهد مجزا، قابلیت طرح صریح و یا پذیرش ضمنی در قراردادهای ارائه خدمت را دارند. توضیح بیشتر آنکه، از جهت موضوع، تعهد به همکاری به معنای همکاری دریافت‌کننده خدمت با ارائه‌دهنده به‌منظور تسهیل اجرای تعهدات طرف مقابل است؛ حال آنکه در تعهد به هشدار، دریافت‌کننده خدمت موظف است تا طرف دیگر قرارداد را نسبت به ریسک‌ها و زیان‌های احتمالی مرتبط با اجرای تعهدات قراردادی آگاه نماید و لذا به هیچ عنوان، تسهیل اجرای تعهدات طرف مقابل، مد نظر نیست. در خصوص زمان اجرای تعهد نیز با توجه به اینکه در تعهد به همکاری، همکاری طرفین صرفاً در طول فرایند اجرای تعهد و پس از انعقاد قرارداد است و در تعهد به هشدار، دریافت‌کننده خدمت پیش از انعقاد قرارداد مکلف به هشدار می‌باشد، بنابراین تعهد به هشدار و همکاری دریافت‌کننده خدمت با یکدیگر متفاوت است. به عبارت دیگر، تعهد به هشدار دریافت‌کننده خدمت فقط مربوط به پیش از انعقاد قرارداد است و لذا در طول مدت اجرای تعهد، وی تکلیفی به هشدار ندارد تا امکان هم‌پوشانی آن با تعهد به همکاری فراهم آید. بنابراین، تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت صرفاً بعد از انعقاد قرارداد و در طول فرایند اجرای تعهد صورت می‌گیرد؛ حال آنکه تعهد به هشدار وی، پیش از انعقاد قرارداد

قابلیت اجرا دارد.^{۱۸}

۲.۲.۱. تعهد به همکاری و تعهد به اطلاع‌رسانی

در کنار تعهد به هشدار، باید از تعهد دیگری تحت عنوان «تعهد به اطلاع‌رسانی» نیز نام برد که شباهت بسیاری با تعهد به همکاری دارد؛ تعهدی که بر مبنای آن، دریافت‌کننده خدمت موظف است تا اطلاعات موردنیاز را در اختیار طرف مقابل قرار دهد. در واقع، همچنان که هنگام انعقاد قرارداد ضروری است تا اطلاعات موردنیاز ارائه گردد، در هنگام اجرای تعهدات نیز تبادل این‌گونه اطلاعات لازم است. برای نمونه، در مواردی که اطلاعات منحصرأ در اختیار یک طرف است و بدون آن، طرف دیگر نمی‌تواند تعهد اصلی تحت قرارداد را انجام دهد، می‌توان وظیفه افشای اطلاعات را برای هریک از طرفین قائل شد. برای مثال، اگر یک فروشنده کالا مجبور به دریافت مجوز صادرات باشد، این یک شرط ضمنی خواهد بود که خریدار باید با گفتن مقصد کالا و سایر اطلاعات موردنیاز برای دریافت مجوز همکاری کند.^{۱۹} بنابراین با توجه به مطالب یادشده و از آنجا که یکی از مصادیق تعهد به همکاری، ارائه اطلاعات لازم از سوی دریافت‌کننده خدمت است^{۲۰}، می‌توان نتیجه گرفت که تعهد به همکاری و اطلاع‌رسانی دو تعهد مجزا نبوده، هر دو را می‌توان ذیل همان تعهد به همکاری بررسی نمود.

در نقد دیدگاه یادشده، باید به این نکته اشاره کرد که به‌نظر تعهد به اطلاع‌رسانی، زمانی در ذیل عنوان تعهد به همکاری قرار می‌گیرد که جزء تعهدات اصلی و خاص طرفین قرارداد نباشد. در برخی قراردادها همچون عقد بیمه، در اختیار قراردادن اطلاعات، صرف‌نظر از اینکه چه تأثیری بر اجرای تعهدات طرف مقابل دارد، جزء تعهدات اصلی اشخاص است. این موارد به‌نظر ذیل عنوان تعهد به همکاری نبوده، از جهت برخی احکام نیز متفاوت هستند؛ چراکه تعهد به اطلاع‌رسانی زمانی به‌عنوان یکی از مصادیق تعهد به همکاری شناخته می‌شود که دریافت‌کننده خدمت اطلاعاتی را به متعهد منتقل نماید که در صورت عدم آگاهی، بر روند اجرای تعهد او اثر

۱۸. برای مطالعه بیشتر در خصوص جایگاه تعهد به هشدار در قراردادهای خدمات، ر.ک. محمدعلی خورسندیان و میلاد امیری، پیشین، ص ۱۳۲-۱۳۵.

19. Jeannie Marie Paterson, *op. cit.*, p. 297-298

20. Peter Rosher, "Good Faith in Construction Contracts: Comparing French and English Contract Law Approaches", *International Business Law Journal*, No. 145, (2020), p. 150.

می‌گذارد و اجرای آن را با اختلال مواجه می‌کند. یکی از نویسندگان خارجی^{۲۱} مثالی مناسب با بحث حاضر را مطرح می‌نماید. یک مورد از قرارداد حمل کالا از طریق جاده را در نظر بگیرید که در آن، صاحب کالا از طریق رادیو می‌شنود که جاده اصلی به دلیل تصادف مسدود شده است. آیا مالک باید این اطلاعات را به متصدی حمل و نقل منتقل نماید تا تحویل به تأخیر نیفتد یا اینکه مالک می‌تواند به سادگی حمل‌کننده را به حال خود رها کرده، در نتیجه تأخیر حمل‌کننده، قرارداد را برهم بزند؟ این مثال نشان از آن دارد که در تعهد به اطلاع‌رسانی به عنوان یک تعهد مجزا، تعهد به ارائه اطلاعات صرف نظر از تأثیر بر موفقیت اجرای قرارداد یا عدم آن، برعهده شخص مکلف است. حال آنکه مواردی از اطلاع‌رسانی ذیل عنوان تعهد به همکاری قرار می‌گیرد که جزء تعهدات اصلی طرفین قرارداد نبوده، در صورت عدم ارائه، اجرای تعهدات طرف مقابل و در نتیجه اجرای قرارداد با مشکل مواجه می‌شود. اطلاعاتی در خصوص موضوع خدمت یا چگونگی انجام آن از همین موارد است^{۲۲}. در تأیید این دیدگاه می‌توان به رأی قاضی لگات^{۲۳} در پرونده یام سنگ^{۲۴} اشاره نمود که چنین بیان کرده است: «در برخی زمینه‌های قراردادی، انتظارات پس‌زمینه مربوطه ممکن است تا حد این انتظار گسترش یابد که طرفین اطلاعات مربوط به اجرای قرارداد را به اشتراک بگذارند، به گونه‌ای که غفلت عمدی در افشای چنین اطلاعاتی ممکن است منجر به سوء نیت شود». بنابراین با توجه به مطالب پیش گفته، گرچه امکان مرزبندی دقیقی میان این دو تعهد میسر نیست، اما به نظر مواردی از اطلاع‌رسانی را می‌توان از مصادیق تعهد به همکاری دانست که جدای از اینکه از جمله تعهدات اصلی طرفین نیست، اجرای تعهد طرف مقابل بدون ارائه این اطلاعات نیز ممکن نخواهد بود.

۲. مبانی تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت

در این قسمت مبانی لزوم تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت و جایگاه آن در این

21. Hugh Collins, "Implied Duty to Give Information During Performance of Contracts", *The Modern Law Review*, No. 55, (1992), p. 556.

22. Maurits Barendrecht & Chris Jansen & Marco Loos & Andrea Pinna & Rui Cascão & Stephanie van Gulijk, *Principles of European Law on Service Contract*, (Berne: European Law Publishers Ltd., 2007), p. 183.

23. Leggatt

24. *Yam Seng Pte Limited v International Trade Corporation Limited* (2013) (As Cited in Jeannie Marie Paterson, *op. cit.*, p. 297).

قراردادها به صورت دقیق‌تر بررسی خواهد شد. ابتدا از «حسن‌نیت»^{۲۵} به‌عنوان نخستین مبنای تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت سخن می‌گوییم و سپس با استفاده از تحلیل موضوع قراردادهای خدمات، مبنای اصلی این تعهد را تبیین خواهیم کرد.

۱.۲. حسن‌نیت در اجرای قرارداد

اصل حسن‌نیت یکی از اصول مهم حقوقی است که در عین شهرت و نفوذ گسترده آن در ابعاد مختلف علم حقوق از جمله حوزه قراردادهای، در نظر نویسندگان مفهومی پیچیده و مبهم است. با وجود این، معانی بالقوه‌ای از حسن‌نیت ارائه شده است که عبارت‌اند از: صداقت، منطقی بودن و توجه به منافع دیگران.^{۲۶} همچنین در فرهنگ حقوقی بلک نیز حسن‌نیت حالت ذهنی است (مشمول بر الف) صداقت در اعتقاد یا هدف، (ب) وفاداری به وظیفه یا تعهد، (ج) رعایت استانداردهای تجاری معقول و...^{۲۷}.

همچنان که اشاره شد، حسن‌نیت یکی از اصول مهم در حقوق قراردادهای به‌شمار می‌رود؛ اصلی که در برخی اسناد بین‌المللی^{۲۸} و نظام‌های ملی همچون فرانسه به‌رسمیت شناخته شده است. البته در برخی کشورهای عضو خانواده کامن‌لا، هرچند این مفهوم به‌صراحت مورد پذیرش قرار نگرفته است، اما این به معنای نفی مطلق حسن‌نیت در حقوق قراردادهای نیست. در عوض، استناد به مفهوم حسن‌نیت در این کشورها را می‌توان از راه‌های دیگری به‌دست آورد.^{۲۹} در نظام حقوقی ایران، گرچه در خصوص پذیرش اصل کلی حسن‌نیت اختلاف نظرهای و تردیدهایی مطرح است، اما نظر به تصریح عبارت حسن‌نیت در ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ و جایگاه مفهوم یادشده در ادبیات پژوهشی داخلی، تردیدهایی یادشده در مورد پذیرش کلی این اصل در حقوق ایران بی‌معناست. همچنین با عنایت به ماده ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ و تأکید

25. Good Faith

26. Nurhidayah Abdullah, *op. cit.*, p. 191.

27. Bryan A. Garner, *Black's Law Dictionary*, (Thomson Reuters, 2009), p. 762.

۲۸. ماده ۱.۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی.

29. See: Nurhidayah Abdullah, *op. cit.*, p. 13-14.

برای مطالعه در خصوص جایگاه حسن‌نیت در سایر نظام‌های حقوقی، رک. حبیب طالب احمدی؛ مسعود احمدی؛ و یوسف براری چناری، «بررسی مبنایی اصل حسن‌نیت در اجرای تعهدات قراردادی در بیع بین‌المللی کالا»، *تعالی حقوق*، ش ۱ (۱۴۰۲)، ص ۱۵۹-۱۹۷

Jan Halberda, "The Principle of Good Faith and Fair Dealing in English Contract Law", *Pravovedenie*, No. 3, (2020), p. 312-325; Nurhidayah Abdullah, *Ibid*, p. 47-86

مقنن بر لزوم وجود حسن نیت در معاملات، تردیدی در پذیرش این اصل در قراردادها باقی نخواهد ماند. از این رو در حوزه قراردادها، حسن نیت به عنوان یک اصل تنظیم‌گر رفتاری، در کلیه مراحل یک قرارداد از جمله مرحله انعقاد و اجرا از نقش مهمی برخوردار است.

لازم به ذکر است که در خصوص موضع حقوق ایران در باب لزوم رعایت حسن نیت در مرحله اجرای قرارداد نیز می‌بایست با نویسندگانی^{۳۰} هم‌داستان شد که با استناد به مواد ۱۴ و ۱۶ قانون بیمه ۱۳۱۶ معتقدند در نظام تقنینی ایران، رعایت حسن نیت در مرحله اجرای قرارداد نیز پذیرفته شده است. جدای از این استدلال، به نظر می‌رسد دلیل منطقی و قابل قبولی بر لزوم اختصاص اصل حسن نیت به مرحله انعقاد قرارداد وجود نداشته، لذا در مرحله اجرای قرارداد نیز طرفین مکلف به رعایت قواعد حسن نیت خواهند بود. بنابراین، از توضیحات پیشین می‌توان به این نتیجه رسید که حسن نیت معیاری برای چگونگی رفتار بازیگران یک قرارداد است؛ معیاری که هم در حین تشکیل قرارداد و هم در طول اجرای آن حضور فعال داشته، به عنوان مبنای تعهدات بسیاری از جمله تعهدات اطلاعاتی، محرمانه بودن، رفتار عادلانه، امنیت و البته همکاری به کار گرفته می‌شود.^{۳۱} بنابراین با استناد به مبنای حسن نیت در مرحله اجرای قرارداد، لزوم همکاری طرفین استنباط می‌شود تا آنجا که به عقیده برخی^{۳۲}، تعهد به همکاری مهم‌ترین وظیفه برگرفته از اصل حسن نیت است.

گفتنی است در راستای تبیین دقیق‌تر ارتباط حسن نیت و تعهد به همکاری، برخی^{۳۳} معتقدند که حسن نیت شامل سه مفهوم است: (۱) تعهد طرفین به همکاری در دستیابی به اهداف قراردادی، (۲) رعایت استانداردهای رفتار صادقانه و (۳) رعایت استانداردهای رفتاری معقول با در نظر گرفتن منافع طرفین. مطابق این تعریف و با توجه به اینکه امروزه حسن نیت فقط مختص زمان تشکیل قرارداد نبوده، در مرحله اجرای قرارداد نیز طرفین موظف به رعایت آن هستند، از

۳۰. فخرالدین اصغری آق‌مشهدی و حمیدرضا ابوی، «حسن نیت در اجرای قرارداد در حقوق انگلیس و ایران»، حقوق، ش ۲ (۱۳۸۹)، ص

۱۷.

31. Christian Von Bar & Eric Clive & Hans Schulte-Nölke, *European Contract Law, Materials for a Common Frame of Reference: Terminology, Guiding Principles, Model Rules*, (Munich: European Law Publishers, 2008), p. 184-188.

32. Peter Rosher, *op. cit.*, p. 119.

33. Mason, "Contract, Good Faith and Equitable Standards in Fair Dealing", *Law Quarterly Review*, No. 116, (2000), p. 69.

زمان تشکیل قرارداد تا پایان اجرای تعهدات، هریک از طرفین موظفاند با یکدیگر همکاری کرده، راه رسیدن به منافع مدنظر حاصل از قرارداد را تسریع و تسهیل نمایند.^{۳۴} با این حال، گرچه اصل حسن نیت به عنوان مبنای مشترک تعهد به همکاری در قراردادهای مختلف کالا و خدمات شناخته می‌شود، اما با پذیرش این اصل در مرحله اجرای قرارداد، به نظر رعایت اصل یادشده در قراردادهای خدمات و به‌ویژه در خصوص همکاری دریافت‌کننده خدمت، از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا مطابق با شرح رسمی سند DCFR، از آنجا که در قراردادهای خدمات، موضوع تعهد، ارائه خدمت در قالب انجام یک فعل است که اصولاً براساس نیازهای طرف قرارداد تعیین می‌شود، ارائه‌دهنده خدمت نیاز بیشتری به همکاری طرف قرارداد برای انجام موضوع تعهد دارد؛ به‌خصوص که برخلاف قراردادهای کالا که موضوع آن تسلیم کالا است و انجام تعهدات اصولاً در یک زمان کوتاه رخ می‌دهد، در قراردادهای خدمات غالباً با فرایند اجرای تعهد مواجه هستیم که همین عامل استمرار، همکاری متعهدله برای اجرای تعهد ارائه‌دهنده خدمت را ضروری می‌سازد.

بنابراین گرچه در کلیه قراردادهای همکاری طرفین لازم است اما با استناد به اصل حسن نیت در مرحله اجرای قرارداد و با عنایت به ویژگی‌های خاص قراردادهای ارائه خدمت، همکاری دریافت‌کننده خدمت با متعهد قرارداد از اهمیت بیشتری برخوردار است به این ترتیب، این دیدگاه که شرط همکاری باید به‌صراحت در قرارداد مطرح شود، حداقل در خصوص قراردادهای ارائه خدمت مورد پذیرش نیست. از این رو، تعهد به همکاری به‌عنوان یکی از شروط ضمنی در قراردادهای خدمات قابل استناد خواهد بود.

لازم به ذکر است که در برخی نوشته‌های حقوقی، مفهوم حسن نیت و تعهد به همکاری یکسان آمده و صرف وجود حسن نیت برای الزام طرفین به همکاری با یکدیگر کافی دانسته شده است و نیازی به تعهد مجزا نیست. در این مورد استدلال شده است که حسن نیت مبنای همه اصول قراردادهای کامن‌لا است و هرگونه تلاش برای ایجاد یک مفهوم مستقل که مستلزم حسن نیت باشد، غیرضروری و گامی قهقرایی است. از این رو، حسن نیت با وظیفه همکاری

۳۴. مرتضی حاجی‌پور، «حسن نیت تکلیفی در فقه امامیه»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۷ (۱۳۹۲)، ص ۳.

Allan Farnsworth, "Good Faith Performance", *The University of Chicago Law School*, No. 30, (1963), p. 666.

همپوشانی دارد، زیرا هردو مفهوم از طرفین می‌خواهند تا همه آنچه را که منطقیاً برای تسهیل اجرای قراردادها ضروری است انجام دهند.^{۳۵}

در مخالفت با دیدگاه پیش‌گفته، به‌نظر می‌رسد اصل حسن‌نیت از سویی به‌واسطه گستردگی مفهومی خود و از سوی دیگر عدم پذیرش صریح آن در برخی نظام‌های حقوقی، با تعهد به همکاری یکسان نبوده، بیشتر به‌عنوان مبنای این تعهد و در جهت تقویت آن، قابلیت استفاده خواهد داشت. در موافقت با این نظر، برخی^{۳۶} با وجود پذیرش ارتباط میان حسن‌نیت و تعهد به همکاری، آنان را دو بحث جدا و دارای رابطه عموم و خصوص من وجه می‌دانند؛ زیرا در نظر این نویسندگان، «حسن‌نیت به معنای صداقت واقعی و رفتار صادقانه است، هرچند که کوتاهی و مسامحه در آن صورت گرفته باشد؛ اما در تعهد به همکاری، نفس صداقت واجد اهمیت نبوده و اقدامات متعهدله بایستی بدون کوتاهی و مسامحه صورت گرفته باشد. زیرا مشخص است که کوتاهی متعهدله یا مسامحه وی می‌تواند منجر به مسئولیت وی در عدم اجرای تعهد گردد».

۲.۲. تحلیل موضوعی قراردادهای خدمات

تحلیل موضوعی قراردادهای خدمات ازجمله مواردی است که به‌واسطه آن می‌توان لزوم تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمات را به‌طور ویژه اثبات نمود. به عبارت دیگر، ویژگی‌های خاص قراردادهای خدمات سبب می‌شود تا همکاری دریافت‌کننده خدمات نسبت به متعهدله قراردادهای کالا از جایگاه ویژه و البته اهمیت بیشتری برخوردار باشد. بنابراین، از این مبنا می‌توان به‌عنوان مبنای اختصاصی تعهد به همکاری دریافت‌کننده نام برد. توضیح بیشتر آنکه، تعهد به همکاری در یک قرارداد، تعهدی صریح یا ضمنی در خصوص تسهیل اجرای تعهدات طرف مقابل است تا از این طریق امکان اجرای نهایی قرارداد و بهره‌مندی از منافع مورد انتظار آن میسر گردد. با توجه به مفهوم ارائه‌شده و با عنایت به اینکه در هر قراردادی، اجرا و کسب منافع حاصل از آن قرارداد، جزء اهداف اصلی طرفین محسوب می‌شود؛ بنابراین در نگاه نخست، می‌توان تعهد به همکاری را در اقسام مختلف قراردادها (چه خرید و فروش کالا و چه ارائه خدمات) قابل طرح و اعمال دانست. به بیان دیگر، در هر قراردادی، طرفین (و به‌ویژه شخص

35. See: Nurhidayah Abdullah, *op. cit.*, p. 31-32.

۳۶. احمد یوسف‌زاده و همکاران، پیشین، ص ۲۶۵-۲۶۶.

متعهدله) موظف خواهند بود تا با یکدیگر همکاری نموده، امکان اجرای قرارداد را فراهم آورند. با این حال، می‌توان ادعا کرد از آنجا که قراردادهای خدمات همچون قراردادهای حوزه درمان و یا خدمات مشاوره، مبتنی بر یک رابطه تعاملی میان طرفین قرارداد است^{۳۷} و تعامل صحیح میان طرفین، نقش مهمی در اجرای مطلوب آن قرارداد دارد، تعهد به همکاری در قراردادهای ارائه خدمت دارای اهمیت بیشتری است. تا آنجا که می‌توان صرف نظر از نوع خدمت موضوع قرارداد، همکاری را تعهد جدانشدنی طرفین و به‌ویژه دریافت‌کننده خدمت تلقی نمود.

شایان ذکر است که دیدگاه یادشده به معنای آن نیست که در قراردادهای کالا، طرفین موظف به همکاری با یکدیگر نیستند؛ بلکه به نظر جدای از اینکه اولاً مفهوم همکاری در این قراردادها متفاوت است، ثانیاً تعهد به همکاری با آن وضعیتی که در قراردادهای خدمات قابل طرح است، در این قراردادها کمتر شایع است. دلیل این برداشت نیز وجود یک سری تفاوت‌ها در موضوع و شیوه اجرای قراردادهای یادشده است. توضیح بیشتر آنکه، موضوع کلی قراردادهای کالا، انتقال مالکیت یک شیء ملموس از شخصی به شخص دیگر است. بر همین اساس، عموماً تسلیم مبیع و پرداخت ثمن در مدت کوتاهی رخ می‌دهد و فرایند اجرای تعهد چندان طولانی نیست و از سوی دیگر، اجرای تعهدات طرفین وابسته به یکدیگر نبوده، غالباً مستقل از تعهد طرف دیگر اجرا می‌شود. لذا این عوامل سبب می‌گردد که مقصود از تعهد به همکاری در قراردادهای کالامحور، تعهد هر طرف به اجرای تعهدات قراردادی خویش باشد. در واقع، طرفین با اجرای تعهد خویش، به‌نوعی با یکدیگر همکاری کرده، اجرای کامل قرارداد را ممکن می‌سازند؛ بنابراین، همکاری با آن مفهومی که پیش از این ارائه شد و با آن اقتضائاتی که در آینده به آن پرداخته خواهد شد، در این قراردادها قابل مشاهده نیست. در حقیقت، تعهد به همکاری بیشتر ناظر به مرحله تسلیم کالا بوده، برای نمونه، خریدار موظف است برای تسلیم کالا حاضر شود و به‌منظور اجرای تعهد فروشنده با وی همکاری نماید. حال آنکه در قراردادهای ارائه خدمت، از طرفی ارائه‌دهنده خدمت موظف است خدمتی براساس خواست‌ها و نیازهای طرف مقابل ارائه دهد و از سوی دیگر، ارائه خدمت غالباً یکباره نبوده، در طول زمان صورت می‌گیرد. به‌علاوه، چنان‌که برخی^{۳۸} نیز به‌درستی اشاره کرده‌اند، وجود ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی در فرایند اجرا

37. Maurits Barendrecht et al, *op. cit.*, p. 330.

38. Evaldas Klimas, *op. cit.*, p. 91.

و ضرورت مدیریت ریسک‌های یادشده، نیاز بیشتر به همکاری دریافت‌کننده خدمت با ارائه‌دهنده جهت انجام موضوع قرارداد را نمایان می‌سازد.

۳. معیار شناسایی مصادیق تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت

گفتنی است از آنجا که موارد تعهد به همکاری غالباً به شکل ضمنی در قرارداد مطرح می‌شوند^{۳۹}، همین امر دامنه و قلمرو انواع تعهد به همکاری را گسترده می‌سازد و این سؤال مهم را به وجود می‌آورد که گرچه دریافت‌کننده خدمت، موظف به همکاری با طرف مقابل قرارداد است، اما مصادیق تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت را چه مواردی تشکیل می‌دهند؟

در پاسخ به پرسش یادشده، از آنجا که در طیف وسیعی از قراردادها، اجرای تعهدات شخص متعهد بدون همکاری متعهدله میسر نیست^{۴۰} و با توجه به اینکه قراردادهای ارائه خدمت جزء قراردادهای مستمر بوده، یک نوع عدم قابلیت پیش‌بینی در روند اجرای آن وجود دارد و از این رو نیازمند همکاری بیشتری برای کسب نتیجه مورد توافق است؛ گمان نمی‌رود بتوان اقسام تعهد به همکاری را منحصر به موارد محدودی نمود و صرفاً از چند مصداق خاص یاد کرد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد محدوده دقیق تعهد به همکاری و محتوای آن از شرایط و ماهیت هر قرارداد نشئت می‌گیرد. برای نمونه در یک قرارداد بلندمدت همچون قراردادهای پیمانکاری، تعهد به همکاری الزاماً ایجاب می‌کند که طرفین به‌طور مداوم و در تمام سطوح با هم کار کنند که در غیر این صورت، اجرای قرارداد خدشه‌دار خواهد شد^{۴۱}. بنابراین می‌توان معتقد بود که در انواع مختلف قراردادهای ارائه خدمت، جدای از اینکه ممکن است با مصادیق مشترکی از تعهد به همکاری مواجه شویم، در برخی از این قراردادها، همکاری‌های خاصی نیاز است که شاید در سایر قراردادها چندان درخور توجه نباشد. بنابراین از این جهت میان انواع مختلف قراردادهای

۳۹. در بسیاری از محاکم ایالات متحده، تعهد به همکاری به‌عنوان شرط ضمنی در قرارداد پذیرفته شده است از جمله در پرونده *George A. Fuller Co. v United States*، قاضی امریکایی چنین بیان کرده است: «... شرط ضمنی هر قرارداد، خواه بین افراد باشد یا بین

یک فرد و دولت، این است که هیچ‌یک از طرفین قرارداد، کاری برای جلوگیری از اجرای تعهدات طرف دیگر انجام نمی‌دهد...».

See: Thomas J. Kelleher, Jr. & John M. Mastin, Jr. & Ronald G. Robey, *Common Sense Construction Law*, (New Jersey: John Wiley & Sons, Inc, 2015), p. 22.

۴۰. محمدتقی رفیعی و سید حسین حجازی، «عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا» حقوق خصوصی، ش ۱۰ (۱۴۰۱)، ص ۴۱.

41. David Thomas, *op. cit.*, p. 33-34.

خدمات محور تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که لازم است مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا، می‌توان با استناد به برخی اسناد اروپایی از جمله DCFR و PELSC، تعدادی از مصادیق مشترک تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت را شناسایی نمود؛ مواردی که مختص دسته خاصی از قراردادها نبوده، در صورت فراهم بودن شرایط، در قراردادهای متعددی برعهده دریافت‌کننده خدمت قرار می‌گیرد. در این خصوص، در مواد ۱۰۳-۲ سند DCFR و ۱۰۴-۱ سند PELSC ذیل عنوان تعهد به همکاری، سه تعهد پاسخگویی به درخواست‌های ارائه‌دهنده خدمت، ارائه راهنمایی و دستورالعمل‌های لازم، و کسب مجوزهای ضروری را می‌توان ملاحظه نمود.

گفتنی است از آنجا که مصادیق پیش‌گفته در اکثر قراردادهای ارائه خدمت به‌عنوان پیش‌فرض وجود دارند، می‌بایست به این پرسش نیز پاسخ داد که غیر از موارد یادشده، دریافت‌کننده خدمت در چه مواقعی موظف به همکاری است؟ آیا ضابطه و معیاری برای شناسایی مصادیق همکاری دریافت‌کننده خدمت با طرف قرارداد وجود دارد یا خیر؟

با عنایت به اینکه در قراردادهای خدمات- برخلاف قراردادهای کالا- در برخی مواقع ارائه خدمت از سوی متعهد منوط به همکاری دریافت‌کننده خدمت بوده، به‌نوعی همکاری وی مقدمه ارائه خدمت است؛ می‌توان از معیار «ضرورت»^{۴۲} به‌عنوان معیار اصلی شناسایی مصادیق تعهد به همکاری نام برد. مطابق با معیار ضرورت، دریافت‌کننده خدمت موظف است در مواقعی که ارائه خدمت منوط به همکاری اوست، با طرف مقابل همکاری نماید؛^{۴۳} چراکه اگر همکاری دریافت‌کننده خدمت نباشد، قرارداد نیز به نتیجه نخواهد رسید.^{۴۴} درنظر بگیرید که یک شرکت متخصص در حذف گرافیتی از دیوارهای بتنی از سوی یک بانک استخدام شود تا دیوارهای دفتر مرکزی بانک را تمیز کند و در قرارداد نیز درج شود که بانک کلیه مجوزهای مورد نیاز را اخذ خواهد کرد. حال چنانچه پس از دو روز نظافت، از سوی مقامات محلی به شرکت نظافت دستور داده شود که به دلیل عدم صدور مجوز، کار را متوقف نماید، شرکت برای ادامه کار و اجرای تعهد

42. Necessity Criterion

43. Maurits Barendrecht, et al, *op. cit.*, p. 187.

44. Burrows, "Contractual Co-Operation and Implied Term". *The Modern Law Review*, No. 31, (1968), p. 403.

نیازمند همکاری بانک خواهد بود.^{۴۵} بنابراین در پرونده *Butt v M'Donald*^{۴۶} تأکید شده است که «[این] یک قاعده کلی است و برای هر قراردادی قابل اجرا است که هریک از طرفین، به طور ضمنی موافقت می‌کند که تمام کارهایی را که برای برخورداری طرف دیگر از منافع قراردادی ضروری است، انجام دهد».^{۴۷} لذا بر اساس معیار ضرورت، دریافت‌کننده خدمت هنگامی موظف به همکاری با متعهد است که این همکاری و مشارکت برای اجرای قرارداد و موفقیت‌آمیز بودن آن ضروری تلقی گردد.

لازم به تأکید است که وجود معیار ضرورت به دلیل تحلیل موضوعی قراردادهای خدمات و ماهیت خاص این‌گونه قراردادها است؛ چراکه در قراردادهای یادشده وابستگی بیشتری میان اجرای تعهدات دو طرف قرارداد وجود دارد، به‌خصوص تعهدات ارائه‌دهنده خدمت که به جهت اجرای مستمر آن در طول زمان و ضرورت برطرف کردن نیازهای طرف قراردادی به‌واسطه خدمت موضوع قرارداد، نیاز بیشتری به همکاری دریافت‌کننده خدمت دارد. بنابراین، هرچند در قراردادهای کالا نیز همکاری متعهدله برای تسلیم کالا از سوی متعهد ضروری است، اما در قراردادهای خدمات این همکاری صرفاً مربوط به زمان ارائه خدمت نبوده و پیش از این مرحله نیز دریافت‌کننده خدمت مکلف به همکاری است.

۴. ضمانت اجرای تخلف از تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت

در خصوص ضمانت اجرای کلی نقض تعهد به همکاری، در اسناد اروپایی نظیر DCFR و PELSC، ضمانت اجرایی همچون جبران خسارت و یا فسخ قرارداد مشاهده می‌شود. در حقوق ایران نیز تعهد به همکاری مورد تصریح و پذیرش مقنن قرار نگرفته است و در ادبیات حقوقی نیز نویسندگان، صرف نظر از موضوع قرارداد (کالا و یا خدمات)، به راه‌های جبرانی مختلفی ازجمله الزام به همکاری، حق حبس، انحلال قرارداد، جبران خسارت و ... اشاره کرده‌اند.^{۴۸} با این حال، در خصوص ضمانت اجرای نقض این تعهد، وجود برخی ملاحظات ازجمله جنس خدمت موضوع

45. Maurits Barendrecht, et al, *op. cit.*, p. 184.

46. Butt v. M Donald, (1896) 7QJL68.

47. Catherine Pedamon & Radosveta Vassileva, "The Duty to Cooperate in English and French Contract Law: One Channel, Two Distinct Views", *Journal of Comparative Law*, No. 14, (2019), p. 7.

۴۸. برای مطالعه بیشتر در خصوص ضمانت اجرای نقض تعهد به همکاری، رک. محمدتقی رفیعی و سید حسین حجازی، پیشین، ص ۵۶-۶۷؛ ابراهیم شعاریان، پیشین، ص ۱۲۶-۱۲۹.

قرارداد، مانع پذیرش و اعمال تمامی آن ضمانت اجراها در قراردادهای خدمات محور می شود و یا لاقلاً با محدودیت هایی مواجه خواهد شد. بنابراین، در ادامه و به جهت سنجش فرضیه یادشده، با تمرکز بر نظام حقوقی ایران، ضمانت اجراهای الزام به همکاری، حق حبس و انحلال قرارداد بررسی و دلایل پذیرش و یا رد آن ها تبیین می گردد تا از این رهگذر، تفاوت میان قراردادهای کالا و خدمات نیز مشخص شود.

پیش از آغاز بررسی ضمانت اجراهای نقض تعهد به همکاری، باید به این نکته نیز اشاره کرد که در صورت عدم همکاری دریافت کننده خدمت، متعهد حق دریافت خسارت زیان های وارده به جهت طولانی شدن فرایند انجام کار و سایر موارد را خواهد داشت. مورد اخیر در بند سوم ماده ۱۰۳-۲ پیش نویس چارچوب مشترک مرجع نیز اشاره شده است و به نظر در حقوق داخلی ایران نیز دلیلی بر عدم پذیرش آن وجود نخواهد داشت. همچنین در صورت عدم همکاری دریافت کننده خدمت با ارائه دهنده، چنانچه شخص اخیر امکان اجرای تعهد خود را نداشته باشد، گمان نمی رود بتوان برای دریافت کننده خدمت، جبران خسارت و استفاده از ضمانت اجراهای تعیین شده در عقد به جهت نقض تعهد را به رسمیت شناخت، زیرا او، خود سبب عدم انجام تعهد طرف مقابل شده است و چنانچه امکان دریافت خسارت را برای وی بپذیریم، اهمیت تعهد به همکاری و منافع طرف مقابل را نادیده گرفته ایم. بنابراین، عدم همکاری عموماً طرف متخلف را از استناد به عدم تحقق شرط به عنوان دلیلی برای جبران زیان های وارد بر خود منع می کند.^{۴۹}

۱.۴. الزام به همکاری

در خصوص ضمانت اجرای الزام به همکاری، برخی^{۵۰} با استناد به مواد ۴۷۶، ۳۹۵ و ۲۳۷ قانون مدنی و بدون تفکیک میان قراردادهای مختلف، ضمانت اجرای الزام متعهدله به همکاری را پذیرفته اند. حال در خصوص قراردادهای ارائه خدمت، ضمن لزوم پاسخ به این پرسش که آیا الزام دریافت کننده خدمت به همکاری ممکن است، باید به این پرسش نیز پاسخ داد که در صورت عدم همکاری دریافت کننده خدمت، چنانچه الزام وی ممکن نباشد، می توان با ارائه خدمت به مرجع صالح از خود رفع تکلیف نمود؟ آیا در مورد سؤال اخیر و در حقوق ایران، امکان

49. See: Jeannie Marie Paterson, *op. cit.*, p. 295.

۵۰. ابراهیم شعاریان، پیشین، ص ۱۲۷.

استناد به ماده ۲۷۳ قانون مدنی و بهره‌گیری از مفاد آن امکان‌پذیر است؟

در پاسخ به پرسش اول، باید میان دو فرض تفکیک نمود؛ نخست فرضی که در فرایند اجرای تعهد، همکاری دریافت‌کننده خدمت ضروری است، ولی جنس مورد همکاری نیاز به مباشرت و اقدام از جانب خود شخص ندارد. برای نمونه، لازم است تا مجوزی دریافت شود یا مالی در اختیار خدمات‌دهنده قرار گیرد تا اجرای تعهد محقق گردد. در این موارد به‌نظر می‌رسد الزام قضایی وی به همکاری با مانعی مواجه نیست. اما در فرضی که به علت جنس همکاری، الزام مؤثر نیفتد یا دریافت‌کننده خدمت حاضر به دریافت خدمت نباشد؛ برای نمونه، بیماری که در مطب و یا برای عمل جراحی حاضر نمی‌شود، به‌نظر در این موارد سخن از الزام دریافت‌کننده خدمت موجه نخواهد بود؛ به‌خصوص که در مثال اخیر، جنس خدمت و حق اشخاص بر تمامیت جسمانی خویش، پذیرش الزام را دشوار می‌سازد. بنابراین در خصوص الزام متعهدله - همان‌طور که مشخص است - همواره اجبار وی به همکاری امکان‌پذیر نیست^{۵۱}. حال باید دید آیا در این صورت می‌توان با ارائه خدمت به یک مرجع صالح قضایی از خود رفع تکلیف نمود؟

در پاسخ به پرسش مطرح شده، باید به این تفاوت مهم میان موضوع قراردادهای کالا و خدمات اشاره نمود که در قراردادهای نوع اول، موضوع قرارداد، شیء ملموسی است که قابلیت تحویل فیزیکی داشته، دریافت همان کالای مدنظر متعهدله است. از طرفی با وقوع قرارداد، مالکیت آن کالا به متعهدله انتقال یافته، وی مالک فعلی می‌شود. حال چنانچه وی به هر دلیلی برای دریافت آن حاضر نشود، متعهد می‌تواند با تسلیم آن به یک مقام صالح به تعهد خود عمل کرده، از خطرهای ناشی از نگهداری مال دیگری در امان بماند. حال آنکه در قرارداد ارائه خدمت، خدمت عملی است که اوصاف کالا را ندارد، تحویل فیزیکی آن ممکن نیست و لذا سخن از تسلیم آن به یک مرجع صالح چندان صحیح نخواهد بود. بنابراین در حقوق ایران و در ماده ۲۷۳ قانون مدنی، گرچه مقرر شده است که چنانچه «صاحب حق از قبول آن امتناع نماید، متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم‌مقام او بری می‌شود»؛ اما برخلاف نظر نویسندگانی^{۵۲} که

51. See: Christian Von Bar, et al, *European Contract Law, Materials for a Common Frame of Reference: Terminology, Guiding Principles, Model Rules*, (Munich: European law Publishers, 2008), p. 714-715.

۵۲. احمد یوسف‌زاده و همکاران، پیشین، ص ۲۸۱.

در اجرای این ماده، اشاره‌ای به تفکیک میان قراردادهای کالا و خدمات نکرده‌اند، به‌نظر مفاد این ماده مختص تعهداتی است که موضوع تعهد جنبه عینی و ملموس داشته، قابلیت تسلیم فیزیکی دارد. برای نمونه در فرضی که طبق قرارداد خدمات مشاوره، «الف» باید به دیگری مشاوره‌های لازم در یک موضوع را ارائه دهد و «ب» حاضر به دریافت مشاوره نیست، چگونه می‌توان آن خدمت را به یک مرجع صالح تسلیم نمود؟ بنابراین، به‌نظر می‌رسد در این موارد، الزام به همکاری راه‌حل مناسب و قابل قبولی نخواهد بود و لاجرم می‌بایست از سایر ضمانت اجراها بهره برد.

۲.۴. حق حبس

حق حبس راهکاری است که با استفاده از آن و به علت همبستگی و رابطه موجود میان دو تعهد متقابل و هم‌زمان در عقود معوض، می‌توان طرف قرارداد را به اجرای تعهد خویش ملزم نمود. در این صورت تا زمانی که طرف مقابل به انجام تعهد اقدام نکند، طرف دیگر نیز تکلیفی به اجرای تعهدات خویش ندارد.^{۵۳}

در حقوق ایران، ماده ۳۷۷ قانون مدنی^{۵۴}، ضمانت اجرای حق حبس را برای طرفین عقد بیع به رسمیت شناخته است. گرچه میان فقها و نویسندگان حقوقی در مورد اختصاص حق حبس به عقد بیع و یا اجرای آن در سایر قراردادهای معاوضی اختلافاتی مشاهده می‌شود^{۵۵}، اما از آنجا که در هر عقد معوضی، هم‌زمانی انجام تعهدات دارای اهمیت است، در این خصوص، عقد بیع موضوعیتی ندارد^{۵۶} و برقراری توازن و حفظ منافع دو طرف ایجاب می‌کند که حق حبس را در تمام قراردادهای معوض به کار برند.

با این حال، این ابهام نیز وجود دارد که آیا حق حبس یادشده مختص عقود معوض تملیکی

۵۳. حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۱، (تهران: کتابفروشی اسلامیة، چ ۱۶، ۱۳۷۵)، ص ۴۵۸؛ ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۷، ۱۳۷۸)، ص ۱۸۱؛ رضا فتوحی‌راد و همکاران، «حق حبس در اجرای تعهدات متقابل»، مطالعات حقوق خصوصی، ش ۴ (۱۴۰۰)، ص ۷۸۵.

۵۴. «هریک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود».

۵۵. محمدباقر پارساپور و محمد عیسائی نفرشی، «نظریه عمومی حق حبس در تعهدات متقابل»، نامه حقوقی، ش ۲ (۱۳۸۸)، ص ۴-۷.

۵۶. عبدالحسین شیروی، حقوق قراردادها، (تهران: سمت، چ ۵، ۱۴۰۱)، ص ۲۳۴-۲۳۵؛ داود اندرز، حق حبس در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، (تهران: مجد، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۹۵.

است یا در خصوص سایر عقود معوض غیرتملیکی مانند قراردادهای ارائه خدمت که موضوع آن انجام یک عمل است نیز قابلیت استعمال دارد؟ در این خصوص برخی^{۵۷} ضمن استثنایی دانستن حق حبس و در نتیجه اختصاص آن به عقد بیع، معتقدند از آنجا که در این گونه قراردادهای شرط همزمانی تعهدات طرفین مفقود است، پس به علت نقص در شرایط ایجاد حق حبس، طرفین این گونه قراردادهای از استعمال حق یادشده محروم‌اند. حال آنکه در مقابل، برخی دیگر از نویسندگان حقوقی^{۵۸} به دلایلی همچون همبستگی عوضین در عقود معاوضی و بنای طرفین در معاوضه دو تعهد، حق حبس را در تمام عقود معوض غیرتملیکی جاری می‌دانند. لذا در این دیدگاه، حق حبس فقط به تعهداتی که موضوع آن مبادله اموال مادی است، اختصاص نداشته^{۵۹}، در سایر موارد نیز قابلیت اعمال دارد.

حال در خصوص موضوع پژوهش حاضر و با فرض پذیرش حق حبس در قراردادهای معوض غیرتملیکی از جمله قراردادهای ارائه خدمت، در این قراردادها و در صورت وجود شرایط حق حبس، هریک از طرفین می‌تواند انجام تعهد خویش را به انجام تعهدات طرف مقابل وابسته نماید. بنابراین در نگاه نخست، چنانچه متعهدله همکاری نکند، متعهد قادر است تا از حق حبس خود استفاده کند و اجرای تکالیف خود را منوط به همکاری وی سازد. ولی باید از چنین برداشتی پرهیز کرد و به این نکته توجه نمود که در قراردادهای ارائه خدمت و در بحث همکاری، غالباً اجرای تعهدات همزمان نیست و لذا تا طرف مقابل تعهد همکاری خود را به انجام نرساند، طرف دیگر امکان اجرای تعهد ندارد؛ بنابراین در فرضی که همکاری مقدمه اجرای تعهد ارائه‌دهنده خدمت است، سخن از حق حبس بی‌معنی است.^{۶۰}

۳.۴. انحلال قرارداد

در باب انفساخ و برهم خوردن قهری قرارداد، از آنجا که هدف اشخاص از انعقاد یک قرارداد، بهره‌مندی از ثمرات و منافع حاصل از توافقات متقابل است، برهم‌زدن سریع قرارداد چندان برای

۵۷. مهدی شهیدی، آثار قراردادهای و تعهدات، (تهران: مجد، چ ۷، ۱۳۹۵)، ص ۱۶۱-۱۶۳.

۵۸. ناصر کاتوزیان، اعمال حقوقی، (تهران: گنج دانش، چ ۱، ۱۳۹۶)، ص ۲۳۵ و ۲۳۹.

۵۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک. منصور امینی؛ میرحسین عابدیان و محمد عبدالصالح شاهنوش فروشانی، «مبانی و قلمرو حق حبس در حقوق ایران و فقه امامیه و مقایسه آن با حقوق کامن‌لا، فرانسه و آلمان»، قضاوت، ش ۸۶ (۱۳۹۵)، ص ۲-۱۳.

۶۰. برای دیدن نظر موافق، ر.ک. ابراهیم شعاریان، پیشین، ص ۱۲۶.

طرفین سودآور نخواهد بود. قراردادهای خدمات محور نیز از این مورد مستثنا نبوده، به نظر می‌رسد ملاحظه یادشده در این نوع قراردادها نیز صادق است. جدای از این، در حقوق ایران نیز پذیرش اصل لزوم و استثنایی بودن انحلال قرارداد، مؤید دیگری بر صحت دیدگاه یادشده است. لذا با در نظر گرفتن این مطالب، لازم است برای تعیین ضمانت اجرای انفساخ کمی با احتیاط تر عمل کرد و آن را در وهله نخست محدود به مواردی دانست که این ضمانت اجرا به صراحت از سوی طرفین تعیین می‌گردد^{۶۱}. حال فرض دیگری هم برای اعمال این ضمانت اجرا قابل اشاره است و آن حالتی است که جنس آن خدمت، به همکاری و اقدام خود شخص دریافت کننده خدمت وابسته باشد. برای مثال، تا شخص متعهدله خود برای دریافت خدمت حاضر نشود، الزام وی به همکاری ممکن نخواهد بود. در این مورد می‌توان به مثال بیمار اشاره نمود، زیرا با توجه به حق شخص بر جسم خود و لزوم رضایت وی به انجام مراحل درمان، عدم حضور وی برای دریافت خدمت، به منزله انفساخ قرارداد خواهد بود. بنابراین در خصوص قراردادهایی که به جهت جنس خدمت، امکان الزام به همکاری وجود ندارد، می‌توان قائل به انحلال قرارداد به علت انفساخ بود.

در خصوص اختیار ارائه دهنده خدمت برای فسخ قرارداد نیز حفظ منافع ارائه دهنده خدمت ایجاب می‌کند که در صورت نبود شرط صریح قراردادی، به غیر از موارد انفساخ قرارداد، چنانچه الزام دریافت کننده خدمت به همکاری ممکن باشد و با وجود این، الزام مؤثر نیفتد و ادامه قرارداد به نفع ارائه دهنده خدمت نباشد، می‌توان امکان فسخ قرارداد به علت تخلف از شرط ضمنی همکاری را برای ارائه دهنده خدمت به رسمیت شناخت.

در راستای تقویت نظر پیش گفته، جدای از تأیید دیدگاه مطرح شده در یکی از پرونده‌های امریکایی^{۶۲} که به موجب آن، «قرارداد متضمن مجموعه شرایط ضمنی است که برای به سرانجام رسیدن آن قرارداد ضروری است»، می‌توان به این نکته نیز اشاره نمود که در یک قرارداد، امکان درج تمامی شروط مرتبط با موضوع میسر نیست. لذا اقتضائات خاص قراردادها و محدودیت‌های موجود در آن ایجاب می‌کند که با نگاهی وسیع تر، معتقد به حضور شروطی در قرارداد بود که از

۶۱. برای مطالعه در خصوص شرط انفساخ توافقی و جایگاه آن در فقه و حقوق، ر.ک. عبدالحسین شیروی، پیشین، ص ۳۰۸-۳۰۹.
62. Market Street Associates Ltd. Partnership v. Frey, 941 F. 2d 588 - Court of Appeals, 7th Circuit 1991.

طریق عرف یا اراده پیشین طرفین بر قرارداد حاکم هستند.^{۶۳} بنابراین با توجه به جایگاه خاص همکاری در قراردادهای ارائه خدمت که در قسمت مبانی تبیین گردید، در خصوص ضمانت اجرای این تعهد، درج صریح آن در قرارداد موضوعیت ندارد. از این رو، هرچند در نظام حقوقی ایران امکان فسخ قرارداد به جهت نقض تعهد همکاری پیشینی نشده است^{۶۴}، اما مطابق با استدلال‌های پیشین، به نظر امکان فسخ قرارداد به جهت تخلف از شرط ضمنی همکاری، با ممنوعیتی مواجه نخواهد بود.

نتیجه

تعهد به همکاری، از جمله تعهدات قراردادی است که به صورت صریح یا ضمنی، قابلیت طرح در قرارداد را دارد. تعهدی که بر مبنای آن، هریک از طرفین موظف‌اند با رفتار خویش (اعم از فعل و یا ترک فعل)، اجرای تعهدات طرف مقابل را تسهیل نموده، اسباب اجرای نهایی قرارداد را فراهم آورند. از همین تعریف می‌توان نتیجه گرفت که تعهد یادشده با سایر تعهدات قراردادی، از جمله تعهد به هشدار و تعهد به اطلاع‌رسانی متفاوت است. در تعهد به هشدار، دریافت‌کننده خدمت موظف است پیش از انعقاد قرارداد، طرف مقابل را نسبت به مواردی که سبب افزایش هزینه و یا زمان اجرای تعهد می‌شود، آگاه گرداند و مانند تعهد به همکاری، تسهیل اجرای تعهدات طرف مقابل مد نظر نیست. همچنین از این جهت که تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت صرفاً بعد از انعقاد قرارداد و در طول فرایند اجرای تعهد صورت می‌گیرد و تعهد به هشدار پیش از انعقاد قرارداد قابلیت اجرا دارد، این دو تعهد با یکدیگر متفاوت‌اند. تعهد به اطلاع‌رسانی نیز گرچه نقاط مشترک زیادی با تعهد به همکاری دارد، اما در مواقعی که تعهد به ارائه اطلاعات صرف نظر از تأثیر بر موفقیت اجرای تعهد طرف قرارداد و یا عدم آن بر عهده شخص مکلف است، با تعهد به همکاری متفاوت می‌باشد. بنابراین، مواردی از اطلاع‌رسانی ذیل عنوان تعهد به همکاری قرار می‌گیرد که جزء تعهدات اصلی طرفین قرارداد نبوده، در صورت عدم ارائه، اجرای تعهدات طرف مقابل و در نتیجه اجرای قرارداد با مشکل مواجه خواهد شد.

۶۳. سید مصطفی محقق داماد، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، ج ۱، (تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۵، ۱۳۹۸)، ص ۲۸۱.

۶۴. محمدتقی رفیعی و سید حسین حجازی، پیشین، ص ۵۸.

نتایج این پژوهش همچنین حکایت از آن دارد که تعهد به همکاری گرچه بر اساس مبنای حسن‌نیت، در قراردادهای کالا و خدمات کاربرد دارد، اما در قراردادهای اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار است. علت نیز موضوع و اقتضائات خاص این نوع قراردادهاست که سبب تمایز آن با قراردادهای کالا می‌شود. لزوم ارائه خدمت بر اساس خواستها و نیازهای دریافت‌کننده خدمت و تدبیری بودن اجرای تعهدات این قراردادها، از همین اسباب تمایز است. این موارد جدای از اینکه سبب جایگاه ویژه تعهد به همکاری در قراردادهای خدمات است، لزوم همکاری دریافت‌کننده خدمت به جهت انجام تعهدات متعهد را نمایان می‌سازد. لذا ماهیت خاص قراردادهای خدمت، مبنای ویژه تعهد به همکاری دریافت‌کننده خدمت است که البته سبب بروز تفاوت‌هایی در احکام تعهد به همکاری در قراردادهای کالا و خدمات نیز می‌شود که از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به ضمانت اجرای تخلف از تعهد به همکاری اشاره نمود.

در نهایت باید به این نکته نیز توجه نمود که گرچه تعهد به همکاری از جایگاه ویژه‌ای در قراردادهای خدمات برخوردار است، اما به جهت حفظ حقوق دریافت‌کننده خدمت و ایجاد تعادل میان حقوق و تکالیف طرفین قرارداد، دریافت‌کننده خدمت صرفاً در صورت وجود ضرورت، موظف به همکاری با طرف مقابل است. مقصود از ضرورت نیز هنگامی است که ارائه خدمت و در نتیجه اجرای قرارداد و موفقیت‌آمیز بودن آن منوط به همکاری دریافت‌کننده خدمت باشد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. امامی، حسن (۱۳۷۵). *حقوق مدنی*. ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۲. اندرز، داود (۱۳۹۳). *حق حبس در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا*. تهران: مجد.
۳. ساعتچی، علی و جاویدی آل سعدی، فرزاد (۱۳۹۷). *قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای خدمات محور*. تهران: مجد.
۴. شهیدی، مهدی (۱۳۹۵). *آثار قراردادهای و تعهدات*. تهران: مجد.
۵. شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۱). *حقوق قراردادهای*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *حقوق مدنی (دوره عقود معین ۱)*. تهران: سهامی انتشار.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). *اعمال حقوقی*. تهران: گنج دانش.
۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۸). *نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

- مقالات

۹. امینی، منصور؛ عابدیان، میرحسین و شاهنوش فروشانی، محمد عبدالصالح (۱۳۹۵). *مبانی و قلمرو حق حبس در حقوق ایران و فقه امامیه و مقایسه آن با حقوق کامن لا، فرانسه و آلمان. قضاوت*، ۱۶ (۸۶)، ۱-۲۶.
۱۰. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و ابوی، حمیدرضا (۱۳۸۹). *حسن نیت در اجرای قرارداد در حقوق انگلیس و ایران. مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۰ (۲)، ۱-۲۰.
۱۱. پارساپور، محمدباقر و عیسایی تفرشی، محمد (۱۳۸۸). *نظریه عمومی حق حبس در تعهدات متقابل. حقوق تطبیقی*، ۱۷ (۳)، ۲۲-۳۰.

۱۲. حاجی پور، محمدرضا (۱۳۹۲). حسن نیت تکلیفی در فقه امامیه. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۴ (۷)، ۳۱-۶۸.

۱۳. خورسندیان، محمدعلی و امیری، میلاد (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی تعهدات طرفین قراردادهای خدمات در حقوق ایران و اروپا. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۹ (۱)، ۱۲۱-۱۴۶.
Doi: 10.22059/icl.2018.248359.633601

۱۴. رفیعی، محمدتقی و حجازی، سیدحسین (۱۴۰۱). عدم همکاری متعهدله در نقض قرارداد در حقوق ایران و اروپا. *حقوق خصوصی*، ۱۰ (۳۹)، ۳۹-۷۲.
Doi: 10.22054/iplr.2022.58197.2520

۱۵. شعاریان، ابراهیم (۱۳۹۰). تعهد به همکاری متعهدله در اجرای قرارداد. *حقوق خصوصی*، ۸ (۱)، ۱۰۹-۱۳۸.

۱۶. طالب احمدی، حبیب؛ احمدی، مسعود؛ براری چناری، یوسف (۱۴۰۲). بررسی مبنایی اصل حسن نیت در اجرای تعهدات قراردادی در بیع بین‌المللی کالا. *تعالی حقوق*، ۹ (۱)، ۱۵۹-۱۹۷.
Doi: 10.22034/thdad.2023.528810.1776

۱۷. فتوحی‌راد، رضا؛ عابدی، محمد و خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۰). حق حبس در اجرای تعهدات متقابل. *مطالعات حقوق خصوصی*، ۵۱ (۴)، ۷۸۳-۸۰۵.
Doi: 10.22059/jlq.2022.316938.1007488

۱۸. یوسف‌زاده، احمد؛ رستم‌زاد اصلی، سروش؛ میریان، سید ایمان (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد در فقه و حقوق ایران و قراردادهای تجاری بین‌المللی. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۸ (۱)، ۲۸۸-۲۵۹.
Doi: 10.22091/csiw.2021.4671.1633

ب) منابع انگلیسی

- Books

19. Abdullah, N. (2020). *Good Faith in Contractual Performance in Australia*. Palgrave Macmillan.
20. Barendrecht, M., Jansen, C., Loos, M., Pinna, A., Cascão, A. & Van Gulijk, S. (2007). *Principles of European Law on Service Contract*. Berne: European Law Publishers Ltd.

21. Garner, B. A. (2009). **Black's Law Dictionary**. Thomson Reuters.
22. Kelleher, J. T., Mastin, M. J. & Robey, G. R. (2015). **Common Sense Construction Law**. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
23. Von Bar, C., Clive, E. & Schulte-Nölke, H. (2008). **European Contract Law, Materials for a Common Frame of Reference: Terminology, Guiding Principles, Model Rules**. Munich: European Law Publishers

- Articles

24. Beale, H. (2008). Pre-Contractual Obligations: The General Contract Law Background. **Juridica International**, 14, 42-50.
25. Burrows, J. F. (1968). Contractual Co-Operation and Implied Term. **The Modern Law Review**, 31, 390-407.
26. Catterwell, R. (2023). Co-Operation and Prevention in Contract Law. **Melbourne University Law Review**, 47(1), 1-39.
27. Collins, H. (1992). Implied Duty to Give Information During Performance of Contracts. **The Modern Law Review**, 55(4), 556-562.
28. Farnsworth, A. (1963). Good Faith Performance. **The University of Chicago Law School**, 30, 666-679.
29. Halberda, J. (2020). The Principle of Good Faith and Fair Dealing in English Contract Law. **Pravovedenie**, 2020 (3), 312-325.
30. Klimas, E. (2011). General Duty to Co-Operate in Construction Contracts? An International Review. **International Journal of Law in the Built Environment**, 3(1), 83-99.
31. Lawrenson, P. (2021). Duties to Warn, Advise and Provide Information: Comparative Study of the Obligations of contractors and Design professionals in French and English Law. **Construction Law International**, 16(4), 51-61.
32. Mason, A. (2000). Contract, Good Faith and Equitable Standards in Fair Dealing. **Law Quarterly Review**, 116, 66-94.
33. Paterson, J. (2014). Good Faith Duties in Contract Performance. **Oxford University Commonwealth Law Journal**, 14(2), 283-310.
34. Pedamon, C. & Vassileva, R. (2019). The Duty to Cooperate in English and French Contract Law: One Channel, Two Distinct Views. **Journal of Comparative Law**, 14(1), 1-24.

35. Rosher, P. (2020). Good Faith in Construction Contracts: Comparing French and English Contract Law Approaches. *International Business Law Journal*, 145(2), 145-160.
36. Thomas, D. (2012). Contractual Obligations of Good Faith. *Construction Law International*, 7(3), 31-34.

- Thesis

37. Luzak, J.A. (2011). *The Implied Duty of a Service Provider to Warn About a Risk of Construction Defects Resulting From a Contract With a Third Party, With Emphasis on Defects Resulting From Design Failures: A Case Study on the Pre-Contractual and Contractual Duty to Warn in English, German and Dutch Law and in the Draft Common Frame of Reference*. Thesis, Fully Internal, Universiteit Van Amsterdam.

